



دفترچه سوال رسمی آزمون
واحد سنجش و ارزیابی باشگاه دانش پژوهان جوان

بسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
باشگاه دانش پژوهان جوان



مبارزه علمی برای جوانان، زنده کردن روح جست و جو و کشف واقعیت هاست. «امام خمینی (ره)»

دفترچه سؤالات مرحله اول سال ۱۴۰۴

سی و نهمین دوره المپیاد ادبی

مدت آزمون	تعداد سؤالات
۱۲۰ دقیقه	۱۰۰ سؤال

نام:

نام خانوادگی:

شماره صندلی:

آرام بخش دل‌ها یاد اوست.

توضیحات مهم

- ۱- بلافاصله پس از آغاز آزمون، تعداد سؤالات داخل دفترچه و همه برگه‌های دفترچه سؤالات را بررسی نمایید. در صورت هرگونه نقص در دفترچه، در اسرع وقت مسئول جلسه را مطلع کنید.
- ۲- یک برگ پاسخ برگ در اختیار شما قرار گرفته که مشخصات شما بر روی آن نوشته شده است، در صورت نادرست بودن آن، در اسرع وقت مسئول جلسه را مطلع کنید. ضمناً مشخصات خواسته شده در پایین پاسخ برگ را با مداد مشکی بنویسید.
- ۳- پاسخ برگ را دستگاه تصحیح می‌کند؛ پس آن را تا نکنید و تمیز نگه دارید و به علاوه، پاسخ هر پرسش را با مداد مشکی نرم در محل مربوط علامت بزنید. لطفاً خانه مورد نظر را کاملاً سیاه کنید.
- ۴- دفترچه سوال باید همراه پاسخ برگ تحویل داده شود.
- ۵- پاسخ درست به هر سوال ۳ نمره مثبت و پاسخ نادرست ۱ نمره منفی دارد.
- ۶- شرکت کنندگان در دوره تابستانی از بین دانش آموزان پایه‌های دهم و یازدهم انتخاب می‌شوند.

کلیه حقوق این سؤالات برای باشگاه دانش پژوهان جوان محفوظ است.

آدرس سایت اینترنتی: ysec.medu.gov.ir



این صفحه جهت استفاده به عنوان چرک نویس در نظر گرفته شده است

۱. «استخدام تشبیهی» نوعی از آرایه «استخدام» است که در آن وجه شبه در نسبت با مشبه و مشبه به واجد دو معنای متفاوت است. مثلاً در این بیت خواجو: «همچو بالات بگویم سخنی راست تو را / راستی را چه بلایی است که بالاست تو را» کلمه «راست» در مصراع نخست در نسبت با «بالا» معنی بلند و کشیده می دهد و در نسبت با «سخن» معنی صادقانه و درست. در کدام دو بیت استخدام تشبیهی به کار رفته است؟

الف. فرزند عزیز را به صد جهد/ بنشانند چو ماه در یکی مهد

ب. چون رایت عشق آن جهانگیر/ شد چون مه لیلی آسمان گیر

ج. گرچه ز شراب عشق مستم/ عاشق تر از این کنم که هستم

د. آمد سوی کعبه سینه پر جوش/ چون کعبه نهاد حلقه در گوش

۱) الف و ب ۲) الف و ج ۳) ج و د ۴) ب و د

۲. فعل های مناسب متن زیر از جوامع/الحکایات در کدام گزینه آمده است؟

«پس آن مرد جامه و دستار ... و بدان چاه ... طرار جامه و دستار ... و برد.»

۱) درکشید- برشد- برگرفت ۲) برکشید- برشد- درگرفت

۳) برکشید- فروشد- برگرفت ۴) درکشید- فروشد- درگرفت

۳. طبق روایت کتاب چهارمقاله، احمد ابن عبدالله خجستانی، از امرای طاهری، تحت تأثیر کدام شعر از خربندگی به حکومت خراسان رسید؟

۱) خون خود را گر بریزی بر زمین/ به که آب روی ریزی در کنار

۲) ای امیری که امیران جهان خاصه و عام/ بنده و چاکر و مولای و سگ بند و غلام

۳) مهتری گر به کام شیر در است/ شو خطر کن ز کام شیر بجوی

۴) دانش و خواسته است نرگس و گل/ که به یک جای نشکفند به هم

۴. نویسنده کدام کتاب متفاوت است؟

- (۱) صغیر سیمرغ (۲) تمهیدات (۳) لغت موران (۴) حکمة الاشراف

۵. در کدام بیت آرایه جناس یافته می شود؟

(۱) دست طلب داشتن ز دامن معشوق/ پیش کسی گو کش اختیار به دستت

(۲) گفتم بزخم بر آتش آبی/ و این آتش دل نه جای آبست

(۳) آنچه بر من می رود در بندت ای آرام جان/ با کسی گویم که در بندی گرفتار آمدست

(۴) لبهای تو خضر اگر بیدیدی/ گفתי لب چشمه حیات است

۶. کدام شاعر شهرتی در مناظره سرایی نداشته است؟

- (۱) رودکی سمرقندی (۲) اسدی طوسی (۳) پروین اعتصامی (۴) ابن یمن فریومدی

۷. «که» در کدام بیت معنایی شبیه به بیت زیر دارد؟

بگیر ای جوان دست درویش پیر/ نه خود را بیفکن که دستم بگیر

(۱) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست/ که دون همتانند بی مغز و پوست

(۲) زنخدان فروبرد چندی به جیب/ که بخشنده روزی فرستد ز غیب

(۳) بخور تا توانی به بازوی خویش/ که سعیت بود در ترازوی خویش

(۴) کزین پس به کنجی نشینم چو مور/ که روزی نخوردند پیلان به زور

۸. کدام شاعر شهرتی در چهارپاره سرایی ندارد؟

- (۱) پروین اعتصامی (۲) مهدی حمیدی شیرازی (۳) فریدون توللی (۴) فریدون مشیری

۹. کدام بیت حسن تعلیل ندارد؟

- (۱) دیده باشی تشنه مستعجل به آب؟/ جان به جانان همچنان مستعجلست
- (۲) از رشک آفتاب جمالت بر آسمان/ هر ماه ماه دیدم [و] چون ابروان تست
- (۳) نی که می نالد همی در مجلس آزادگان/ زان همی نالد که بر وی زخم بسیار آمدست
- (۴) با این همه باران بلا بر سر سعدی/ نشگفت اگرش خانه چشم آب چکیدست

۱۰. کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) الابنیه کتابی در خواص گیاهان و داروهاست که احتمالاً کهن ترین نثر علمی به جای مانده است.
- (۲) تاریخ بلعمی تفصیل مجمل التواریخ است که اطلاعاتی درباره تاریخ ایران به آن افزوده شده است.
- (۳) اصل شاهنامه ابو منصورى از بین رفته و فقط مقدمه آن به دست ما رسیده است.
- (۴) حدود العالم نخستین کتاب جغرافیا به فارسی است که به دست ما رسیده و مؤلف آن نامعلوم است.

۱۱. کدام بیت بر اسلوب معادله است؟

- (۱) شمشیر نیک از آهن بد چون کند کسی/ ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس
- (۲) کس نتواند گرفت دامن دولت به زور/ کوشش بی فایده است و سمه به ابروی کور
- (۳) دیده اهل طمع به نعمت دنیا/ پر نشود همچنانکه چاه به شبنم
- (۴) چه کند زورمند و ارون بخت/ بازوی بخت به که بازوی سخت

۱۲. موضوع کدام کتاب شباهتی با دیگر کتابها ندارد؟

- (۱) بهشت گمشده (۲) الغفران (۳) ارداویرافنامه (۴) کمدی الهی

۱۳. ابیات زیر در توصیف سرابردۀ کیست؟

«چنین گفت از آن پس که بر میمنه/ سوارست بسیار و پیل و بنه// سرابرده یی برکشیده سیاه/ رده گردش اندر زهر سو سپاه// به گرد اندرون خیمه ز اندازه بیش/ پس پشت پیلان و بالاش پیش// زده پیش او پیل پیکر درفش/ به در بر سواران زرینه کفش»

(۱) کاوس (۲) رستم (۳) زندرزم (۴) طوس

۱۴. کدام گزینه درباره این بیت نادرست است؟

«شنیدی که او گفت کاوس کیست/ گر او شهریارست پس طوس کیست؟»

(۱) مرجع ضمیر «او» در مصرع اول طوس است. (۲) گوینده این بیت کاوس است.

(۳) مخاطب این بیت گودرز است. (۴) مرجع ضمیر «او» در مصرع دوم کاوس است.

۱۵. توضیح مقابل کدام گزینه صحیح است؟

(۱) کسی کز تو ماند ستودان کند/ ببرد روان تن به زندان کند (تن به زندان کند: تو را اسیر کند)

(۲) اگر هوش تو زیر دست منست/ به فرمان یزدان بیازیم دست (هوش تو زیر دست منست: سخن مرا می پذیری)

(۳) از آنجا خروشید سهراب گرد/ همی شاه کاوس را برشمرد (شاه کاوس را برشمرد: به کیکاوس دشنام داد)

(۴) یکی نزد رستم برید آگهی/ کزین ترک شد مغز گردان تهی (از این ترک شد مغز گردان تهی: این ترک پهلوانان را فریب داد)

۱۶. در کدام بیت، حرف پیش از ضمیر پیوسته (ضمیر متصل) متحرک تلفظ می شود؟

(۱) غمی بد دلش ساز نخجیر کرد/ کمر بست و ترکش پر از تیر کرد

(۲) چو افراسیاب آن سخن ها شنود/ خوش آمدش و خندید و شادی نمود

(۳) پدرم آن گرانمایه پهلوان/ چه گوید مرا باز پور جوان

(۴) چنان شد گمانشان که او کشته شد/ سر نامداران همه گشته شد

۱۷. توضیح کدام بیت درست است؟

- (۱) پدر جست و برزد یکی سرد باد/ بنالید و مژگان بهم برنهاد: توصیف عزاداری رستم در مرگ سهراب است.
- (۲) همی ریخت خون و همی شانند خاک/ همه جامه خسروی کرد چاک: توصیف نبرد اول رستم با سهراب است.
- (۳) گهی رزم بودی گهی ساز بزم/ ندیدم ز کاوس جز رنج رزم: اعتراض رستم به کیکاوس است که نوشدارو را دریغ کرد.
- (۴) خم آورد پشت و ز دست آن ستیخ/ بزد تند و برکنند هشتاد میخ: حمله سهراب به سراپرده کیکاوس است.

۱۸. در یکی از ابیات زیر، تغییری داده شده که بر اثر آن، قافیه مخدوش شده است. آن بیت کدام است؟

- (۱) از ایران همه فرهی رفته گیر/ جهان از سر تیغش آشفته گیر
- (۲) پس پشتش اندر سپاه از یلان/ همه نیزه داران و جوشن وران
- (۳) تو مردان جنگی کجا دیده‌ای/ که بانگ پی اسپ نشنیده‌ای
- (۴) خرامان بشد سوی آب روان/ چنان چون شده باز جوید روان

۱۹. کدام گزینه به نادرستی معنی شده است؟

- (۱) ز هر کس که بر پای پیشش برست/ نشسته به یک رش سرش برترست: در حال نشستن هم از افراد ایستاده در اطرافش به اندازه یک رش بلندتر است.
- (۲) نبشته به سر بر دگرگونه بود/ ز فرمان نه کاهد نه هرگز فرود: سرنوشت چیز دیگری بود و مشیت الهی کم و زیاد نخواهد شد.
- (۳) چو از دیده سهراب آوا شنید/ به بارو برآمد سپه را بدید: وقتی سهراب از دیدبان(ی) صدا شنید، بر بالای دژ آمد و سپاه را مشاهده کرد.
- (۴) و دیگر که تنگ اندر آمد سپاه/ مکن تیره بر خیره این تاج و گاه: دوم آنکه سپاه دچار سختی شد. بیهوده این پادشاهی را تباه مکن.

۲۰. نهاد مصراع اول در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- (۱) بدین شهر ما نیکخواه توایم / ستوده به فرمان و راه تویم (شاه سمنگان)
- (۲) چنین راند پیش برادر سخن / که بیداردل باش و سستی مکن (هومان)
- (۳) نشست از بر بادپایی چو گرد / ز دز رفت پویان به دشت نبرد (گزدهم)
- (۴) بیچید و برگشت بر دست راست / غمی شد ز سهراب زنهار خواست (گردآفرید)

۲۱. معنی کدام فعل نادرست بیان شده است؟

- (۱) ز گفتار دهقان یکی داستان / پیوندم از گفته باستان (به نظم بکشم)
- (۲) بدو گفت شاه سمنگان چه بود / که یارست با تو نبرد آزمود (جرئت کرد)
- (۳) تو را باشد از بازجویی سپاس / بباشد به پاداش نیکی شناس (ادا کنی)
- (۴) بدانست کاویخت گردآفرید / مر آن را جز از چاره درمان ندید (گرفتار شد)

۲۲. به لحاظ ترتیب رویدادهای داستانی، کدام بیت بر دیگر بیت‌ها مقدم است؟

- (۱) همی کرد نخچیر و یادش نبود / از آن کس که با وی نبرد آزمود
- (۲) نشست از بر سینه پیلتن / پر از خاک چنگال و روی و دهن
- (۳) از ایران هر آنچه ت بپرسم بگوی / متاب از ره راستی هیچ روی
- (۴) تهمتن به توران سپه شد به جنگ / بدانسان که نخچیر بیند پلنگ

۲۳. این سخن می‌تواند از چه کسی باشد؟

«علی چه کرده بود که بایست با وی چنین رود؟ و من بروی کار بدیدم این قوم نوحاسته نخواهند گذاشت که از پدریان یک تن بماند. تدبیر آن سازند و لطایف الحیل به کار آرند تا من زودتر بازگردم که آثار خیر و روشنایی نمی‌بینم.»

- (۱) حاجب علی قریب (۲) بوسهل زوزنی (۳) بونصر مشکان (۴) خوارزمشاه آلتوتتاش

۲۴. در کدام گزینه مصدر مرخم به کار رفته است؟

- (۱) آن عاجزان را که ما را نمی توانستند داشت برکنند و از این ولایت دور افکند.
- (۲) برخاست نزدیک امیر رفت و این جواب بازگفت امیر سخت شادمانه شد.
- (۳) طاهر برخاست و جایی بنشست و خازنان را بخواند و خلعتها راست کردند.
- (۴) امیر ایشان را بنواخت و نیکویی گفت و ایشان دعای فراوان کردند و بازگشتند.

۲۵. کدام گزینه به رسم خاصی اشاره ندارد؟

- (۱) امیر فرمود تا او را کرامت کردند و بازو گرفتند تا فراز آمد و رکاب امیر بیوسید.
- (۲) و دو تن سخت قوی بازوی او بگرفتند و رفتن گرفت سخت بجهد.
- (۳) منکیتراگ حاجب بازوی وی بگرفت و برابر خوارزمشاه حاجب بزرگ بنشست.
- (۴) و رسول را حاجب بوالنضر بازو گرفت و بنشاند و امیر آواز داد که امیرالمؤمنین را چون ماندی؟

۲۶. برداشت از کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) بوسهل پوشیده کس فرستاده بود و منشور و فرمانها بخواسته و فرونگریسته و ترجمه های آن راست کرده و باز در خریطه های دیبای سیاه نهاده بازفرستاده: رسم این بوده که نامه های تازی را پیش از خواندن در محضر پادشاه، ترجمه کنند.
- (۲) امیرالمؤمنین بشفاعت نامه نوشته بود ... و نامه آور بر جای بماند و اجابت می بود و نمی بود بدو، لکن اکنون بغنیمت داشت امیرمسعود این حال را و رسولی فرستاد و پیغام بر این جمله بود که ما شفاعت امیرالمؤمنین را بسمع و طاعت پیش رفتیم که از خداوند بندگان را فرمان باشد نه شفاعت: امیرمسعود حرف خلیفه را حجتی قاطع می دانست و بدان عمل می کرد.
- (۳) و امیرالمؤمنین او را مثال داده بود در این نامه که آنچه گرفته است از ولایت ری و جبال و سپاهان بر وی مقرر است، بتعجیل سوی خراسان باید رفت تا در آن ثغر بزرگ خللی نیفتد، و آنچه که خواسته آمده است از لوا و عهد و کرامات با رسول بر اثر است: خلیفه موافق جانشینی امیر محمد بوده است.
- (۴) چون بدامغان رسید خواجه بوسهل زوزنی پیش آمد گریخته از غزنین و امیر او را بنواخت و مخف آمده بود با اندک مایه تجمل چندان آلت و تجمل آوردندش اعیان امیر مسعود که سخت بنوا شد: قدرت در غزنین بیشتر به دست پدریان بوده است.

۲۷. کدام عبارت به درستی معنی شده است؟

- ۱) زندگانی خداوند دراز باد در بزرگی و دولت و پادشاهی و نصرت و رسیدن بامانی و نهمت در دنیا و آخرت: عمر سلطان دراز باشد در عظمت و اقبال و سلطنت و پیروزی و رسیدن به امنیت و غایت حاجات در هر دو دنیا.
- ۲) امیر مسعود به سپاهان بود و قصد داشت که سپاه سالار تاش فراش را آنجا یله کند و بر جانب همدان و جبال رود: امیر مسعود که در سپاهان بود می خواست که تاش سپاه سالار را آنجا بگمارد و خود به همدان و جبال برود.
- ۳) این ولایت به شحنگی به تو سپردیم و سخن اعیان بشنودی هشیار و بیدار باش تا خللی نیفتد بغیبت ما و با مردمان این نواحی نیکو رو و سیرت خوب دار: تو را به شحنگی این ولایت برگزیدیم و سخن بزرگان این ولایت شنیدی هشیار باش که در غیبت ما خللی پیش نیاید و با مردمان این ولایت گشاده روی باش و خوش رفتاری کن.
- ۴) و جمله کسان و پیوستگان میکائیلیان بدیوان رفتند و حال باز نمودند که جمله کشاورزان و وکلا و برزیگران توانگر را و هرکرا بازمی خواندند، بگرفتند و مالی عظیم از ایشان بستند: از خاندان میکائیلیان گروه های مختلفی به دیوان رفتند و گزارش دادند که هر که را که فرامی خواندند، بازداشت کردند و اموال زیادی از ایشان گرفتند.

۲۸. در عبارت زیر، منظور از «اثر نیکوی حاجب غازی» چیست؟

- «امیر شهاب الدوله، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، چون از دامغان برفت، نامه ها فرمود سوی سپاه سالار خراسان، غازی حاجب و سوی قضاة و اعیان و رئیس و عمال که وی آمد و چنان باید که کارها ساخته باشند و حاجب غازی که اثری بدان نیکویی از وی ظاهر گشته است و خدمتی بدان تمامی کرده، ثمرتی سخت بانام خواهد یافت.»
- ۱) حفظ و مراقبت از بوسهل زوزنی و رساندن او به نزد امیر مسعود.
 - ۲) نگاه داشتن رکابدار سلطان محمود تا نامه های او را به امیر مسعود و اطرافیان او نرساند.
 - ۳) همراهی با بزرگان ری تا شورش نکنند و یاری او به حسن سلیمان.
 - ۴) بازداشت امیر محمد و برکنار کردن او از قدرت و بردن او به قلعه مندیش.

۲۹. در شرح خطیب رهبر آمده که مرجع ضمیر مشخص شده «وی»، علی قریب است. با توجه به متن زیر، مرجع ضمیر «وی» در جمله مشخص شده، چه کسی غیر از علی می تواند باشد؟

«امروز که نامه تمام بندگان بدو مورخ است، بر حکم فرمان عالی برفتند که در ملطفه‌ها بخط عالی بود و امیر محمد را بقلعه کوهتیز موقوف کردند سپس آنکه همه لشکر در سلاح صف کشیده بودند از نزدیک سرای پرده تا دور جای از صحرا، و بسیار سخن و مناظره رفت و وی گفت او را بگورگانان باز باید فرستاد با کسان و یا با خویشان بدرگاه عالی بُرد، و آخر قرار بر آن گرفت که بقلعه موقوف باشد با قوم خویش و ندیمان و اتباع ایشان از خدمتکاران تا فرمان عالی بر چه جمله رسد بیاب وی. و بنده بگتگین حاجب با خیل خویش و پانصد سوار خیاره در پای قلعت است.»

(۱) امیر محمد (۲) امیر مسعود (۳) حاجب بزرگ (۴) بگتگین حاجب

۳۰. در کدام گزینه، احتمالاً ایرادی نحوی وجود دارد؟

(۱) به روزگار گذشته که امیر شهاب‌الدوله به هرات می‌بود محتمل‌تر خدمتکاران او این مرد بود.

(۲) با مردمان بدساختگی کردی و درشت و ناخوش و صفرایی عظیم داشت.

(۳) گفته‌اند که بزودی بیاید آمد تا کار ملک را نظام داده آید که نه خرد ولایتی است خراسان و هندوستان.

(۴) اکنون اینجا شحنه‌ای می‌گماریم به اندک مایه مردم آزمایش را.

۳۱. عبارت مشخص شده در کدام گزینه به غلط معنی شده است؟

(۱) علی مرا به کار است شغل‌های بزرگ را و این مالشی و دندان‌ی بود که بدو نموده آمد. (دندانی بدو نموده آمد: زهر چشمی از او گرفته شد)

(۲) هر چند می‌براندیشیدیمی ولایت‌های بانام بود در پیش ما و اهل جمله آن ولایات گردن برافراشته تا نام ما بر آن نشیند. (گردن برافراشته: طغیان کرده)

(۳) اگر ما دبیری را فرماییم که چیزی نویسد، اگرچه استیصال او در آن باشد، زهره دارد که ننویسد؟ (استیصال او در آن باشد: مضمون آن نوشته نابودی او باشد)

(۴) دیگر سهو آن بود که ترکمانان را که مسته خراسان بخورده بودند و سلطان ماضی ایشان را به شمشیر به بلخان کوه انداخته بود استمالت کردند و بخواندند. (مسته خراسان را بخورده بودند: مزه خراسان را چشیده بودند)

۳۲. واژه «خدمت» در کدام گزینه به معنای «فرمان برداری» آمده است؟

- (۱) اکنون که خداوندی حق تر پیدا آمد و فرمان وی رسید، آنچه از شرایط بندگی و فرمان برداری واجب کرد بتمامی بجا آوردند و منتظر جواب این خدمت‌اند.
- (۲) وی غنیمت دارد که ما از اینجا بازگردیم و هر حکم که کنیم به خدمت مال ضمانتی اجابت کند و هیچ کژی ننماید که از آنچه نهاده باشد، چیزی نهد.
- (۳) بفرمود تا خلعت او را که راست کرده بودند بپوشانیدند... پیش آمد و خدمت کرد و امیر وی را در بر گرفت و بسیار بنواختش و با کرامت بسیار بازگشت.
- (۴) و نیز هیچ مخالف قصد اینجا نکند اگر رأی عالی بیند این اعیان را احمادی باشد بدین چه کردند تا در خدمت حریص تر گردند این شاء الله تعالی.

۳۳. دنباله کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) قضای ایزد عزوجل چنان رود که وی خواهد و ملک روی زمین از فضل وی رسد ازین بدان و از آن بدین الی ان یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین.
- (۲) و اینجا خبر بدو رسید از نامه های ثقات که امیر محمد بغزنین آمد و کارها بر وی قرار گرفت و لشکر بجمله او را مطیع و منقاد شدند که گفته اند اهل الدنيا عبید الدینار و الدرهم.
- (۳) و بیاید در این تاریخ سخنان وی چه آنکه گفته و چه نبشته تا مقرر گردد خوانندگان را که نه برگزاف است حدیث پادشاهان، قال الله عز و جل و قوله الحق و زاده بسطة فی العلم و الجسم و الله یؤتی ملکه من یشاء.
- (۴) و سخن همه سخن غازی بود و خلوتها در حدیث لشکر با وی می رفت و سعید صراف کدخدای غازی به آسمان شد تا بعد العز و الرفعة صار حارس الدجلة.

۳۴. معنای واژه «بس» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) آنچه تقدیر است بباشد. در غمناک بودن بس فایده نیست، خداوند بر سر شراب و نشاط باز شود.
- (۲) گرت چو چنگ به بر درکشد زمانه دون/ بس اعتماد مکن کانگهت زند که نواخت
- (۳) گفتند فلانی از کوه لکام تو را سلام می‌رساند. گفت: در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد.

۴) بسم حکایت دل هست با نسیم سحر/ ولی به بخت من امشب سحر نمی آید

۳۵. در متون عرفانی اغلب عبارتی از منبعی به منبع دیگر منتقل می شود. و گاه در این انتقال واژه‌ای بد خوانده می شود و یا غلط ترجمه می شود و به همان صورت تحریف شده به متون بعدی انتقال می یابد. با توجه به اصل عبارت و نقل عطار از آن، در کدام گزاره ترجمه تحریفی ندارد؟

۱) «الصبر یقطع ید الرجل و رجلاه و یسمر و یصلب علی هذا الجسر»: گفت: صبر آن است که دست و پای برند و از دار بیاویزند برین تلّ.

۲) «افنیت عمرک فی عمران باطنک. فأین الفناء فی التوحید؟»: گفت: همه عمر در عمارت شکم کردی. در توحید کی فانی خواهی شدن؟

۳) «که ذره‌ای از آن به و مه که عمل ثقلین»: ذره‌ای از آن به و مدار اعمال جن و انس به نزد من نیست الا ذره‌ای از علم حقیقت.

۴) «علیک بنفسک ان لم تشغلها شغلتک»: نفس را به چیزی مشغول دار و اگر نه او تو را مشغول گرداند.

۳۶. کدام عبارت در تأیید حلاج است؟

۱) توّلاً به اتحاد داشت و هر که را بوی توحید رسیده بود، هرگز او را خیال حلول و اتحاد نتواند افتاد.

۲) اگر او مقبول بود به رد خلق مردود نگردد و اگر مردود بود به قبول حق مقبول نشود.

۳) و در شرع و سنت بود که این سخن از او پیدا آمد که گوینده آن حقیقت حق بود.

۴) نحن نحکم بالظاهر. یعنی بر ظاهر حال کشتی است. فتوی بر ظاهر است.

۳۷. در کدام عبارت تعبیری قرآنی به کار نرفته است؟

۱) و گفت: خلق عظیم آن بود که جفای خلق در او اثر نکنند پس از آن که حق را شناخته باشد.

۲) و گفت: وقت مرد صدف سینه مرد است. فردا این صدف‌ها در صعید قیامت بر زمین زنند.

۳) و اگر او مطعون بودی، این دو بزرگ در حق او این نگفتندی. و ما را دو گواه تمام است.

۴) چنان که حق تعالی به زفان عمر سخن گفت و اینجا نه حلول کار دارد و نه اتحاد.

۳۸. کدام گزینه در تحسین «معدوران» نیست؟

- (۱) عبدالجلیل صفار گفته است که اعتقاد من در آن زنده چوب بیش از حسین بود، از بهر آن که آن مرد چه قوت داشته است در کار شریعت، که چنان آواز [یا ابن منصور لاختف] می شنود و دست او نمی لرزید و می زد؟
- (۲) ایشان [منکران] را دو ثواب بود و شما [مقران] را یکی. از بهر آن که شما را به من جز حسن ظنی بیش نیست و ایشان از توحید و صلابت شریعت می جنبند. و توحید در شرع اصل بود و حسن ظن فرع.
- (۳) آن که مرا بدانست و بر من شفقت کرد، بدان سبب برو رحمت کرد و آن که ندانست از جهت حق جلّ جلاله عداوت کرد. بر ایشان نیز رحمت کرد.
- (۴) گفت: بدین رنج که از برای تو برمی دارند محرومشان مگردان و ازین دولتشان بی نصیب مکن و الحمدلله که اگر دست و پای من بریدند در راه تو بریدند و اگر سر از تن باز می کنند در مشاهده جلال تو می کنند.

۳۹. داستان حسنگ و حلاج شباهت های نمایشی با هم دارند. عبارت هایی از این دو داستان کنار هم قرار گرفته اند. در کدام گزینه دو عبارت تداعی گر هم نیستند؟

- (۱) پس مستی رند را سیم دادند که سنگ زنند. // پس هر کسی سنگی می انداختند. شبلی موافقت را گلی در انداخت.
- (۲) حسنگ را فرمودند که جامه بیرون کش. وی دست اندر زیر کرد و ازاربند استوار کرد و پایچه های ازار ببست و برهنه با ازار بایستاد // پس میزری بر میان داشت و طیلسانی برافکنده بود.
- (۳) و حسنگ قریب هفت سال بر دار بماند، چنانکه کس ندانست که سرش کجاست و تن کجاست // و از یک یک اندام او آواز اناالحق می آمد. پس پاره پاره کردندش که از گردنی بیش نماند. همچنان از آن گردن آواز اناالحق می آمد.
- (۴) پیغامی گفت که خداوند سلطان می گوید این آرزوی تست که خواسته بودی و گفته که چون تو پادشاه شوی ما را بر دار کن // سزای کسی که با اژدها در تموز خمر کهنه خورد این بود.

۴۰. دنباله عربی کدام دو عبارت با آنها تناسب دارد؟

الف. و گفت: گفت و گوی در علل بسته است و افعال در شرک پیوسته و حق مباین است ازین جمله که لمن كان له قلب او القى السمع و هو شهيد.

ب. و گفت: بصایر بینندگان و معارف عارفان و نور علمای ربانی و طریق سابقان ناجی ازل و ابد آنچه در میان هست از حدوث است اما این به چه بداند که و ما يؤمن اكثرهم بالله الا وهم مشرکون.

ج. از او پرسیدند که عارف را وقت باشد؟ گفت: نه، از بهر آن که وقت صفت صاحب وقت است و هر که با صفت خویش آرام گیرد او عارف نباشد. معنیش این است که لی مع الله وقت.

د. گفت: طریق به خدا دو قدم است و رسیدی. یک قدم از دنیا بگیر. دیگر قدم از عقبی اینک رسیدی به مولی. یعنی خطوتان و قد وصلت.

(۱) الف و ب (۲) الف و د (۳) ج و د (۴) ب و ج

۴۱. کدام عبارت درست معنی شده است؟

(۱) بعضی در کار او متوقف اند: بعضی او را منکرند.

(۲) جامعه متصوفه بیرون کرد و قبا پوشید: از هیئت صوفیان خارج شد و به هیئت فقها درآمد.

(۳) در بغدادش مصطلم نام کردند: در بغداد او را مستغرق می دانستند.

(۴) گفت: بمانید تا بکشندش: صبر کنید تا وقتی که او را بکشند.

۴۲. در کدام بیت عبارت درست معنا شده است؟

(۱) حسودی که بیند به جای خودم / کجا بر زبان آورد جز بدم: مرا آنگونه که هستم ببیند.

(۲) شنیدم که فرماندهی دادگر/ قبا داشتی هر دو روی آستر: گران قیمت و مرغوب

(۳) سر پنجه ناتوان بر میچ / که گر دست یابد برآبی به هیچ: نابود می شوی

(۴) به صبرش در آن کنج تاریک جای/ به گنج قناعت فرورفته پای: عاجز شده

۴۳. در کدام گزینه «ایهام تناسب» به کار نرفته است؟

- (۱) زهی دولت مادر روزگار / که رودی چنین پرورد در کنار
- (۲) به خرده توان آتش افروختن / پس آنگه درخت کهن سوختن
- (۳) برومند دارش درخت امید / سرش سبز و رویش به رحمت سپید
- (۴) اگر بوسه بر خاک مردان زنی / به مردی که پیش آیدت روشنی

۴۴. کدام بیت به داستانی متفاوت اشاره دارد؟

- (۱) شبی برنشست از فلک برگذشت / به تمکین و جاه از ملک برگذشت
- (۲) یکی گفتش ای مرد راه خدای / بدین ره که رفتی مرا ره نمای
- (۳) اگر یک سر مو فراتر پریم / فروغ تجلی بسوزد پریم
- (۴) بگفتا فراتر مجالم نماند / بماندم که نیروی بالم نماند

۴۵. بیت زیر می‌تواند تمثیلی برای کدام گزینه باشد؟

- «نه سگ دامن کاروانی درید / که دهقان نادان که سگ پرورید»
- (۱) گرت خویش دشمن شود دوستدار / ز تلبیسه ایمن مشوزینهار
 - (۲) اگر خوش بخشید ملک بر سریر / نیندارم آسوده خسب فقیر
 - (۳) نتابد سگ صید روی از پلنگ / ز روبه رمد شیر نادیده جنگ
 - (۴) هر آن کس که بر دزد رحمت کند / به بازوی خود کاروان می‌زند

۴۶. کدام دو گزینه از نظر معنایی با یکدیگر متناسب نیستند؟

الف. اگر محتسب گردد آن را غم است/ که سنگ ترازوی بارش کم است

ب. توانگر خود آن لقمه چون می خورد/ چو بیند که درویش خون می خورد

ج. صواب است پیش از کُشش بند کرد/ که نتوان سر کشته پیوند کرد

د. نظر کن چو سوفار داری به شست/ نه آنگه که پرتاب کردی ز دست

هـ. چو بیند کسی زهر در کام خلق/ کیش بگذرد آب نوشین به حلق

و. چو حرفم برآمد درست از قلم/ مرا از همه حرف گیران چه غم

۱ الف- و ۲ ب- هـ ۳ ج- د ۴ ج- هـ

۴۷. نقش دستوری مصراع اول در کدام بیت متفاوت است؟

۱) پریشانی خاطر دادخواه/ براندازد از مملکت پادشاه

۲) طبیعت شناسان هر کشوری/ سخن گفت با هر یک از هر دری

۳) یکی از بزرگان اهل تمیز/ حکایت کند ز ابن عبدالعزیز

۴) بزرگان روشندل نیکبخت/ به فرزانیگی تاج بردند و تخت

۴۸. مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

۱) مکن صبر بر عامل ظلم دوست/ چه از فربهی بایدش کند پوست

۲) سر گرگ باید هم اول برید/ نه چون گوسفندان مردم درید

۳) چو دست از همه حیلتی درگسست/ حلال است بردن به شمشیر دست

۴) مکافات موذی به مالش مکن/ که بیخس برآورد باید ز بن

۴۹. نوع دستوری (مقوله) کلمه مشخص شده در کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) کسی با بدان نیکویی چون کند؟/ بدان را تحمل، بد افزون کند (بد: اسم)
- (۲) بنایی که محکم ندارد اساس/ بلندش مکن ور کنی زو هراس (هراس: فعل)
- (۳) مگو شاید این مار کشتن به چوب/ چو سر زیر سنگ تو دارد بکوب (شاید: قید)
- (۴) بخور مردم آزار را خون و مال/ که از مرغ بد کنده به پر و بال (به: صفت)

۵۰. در کدام گزینه کلمه «بر» اسم است؟

- (۱) تو گویی به چشم اندرش منزل است/ وگر دیده بر هم نهی در دل است
- (۲) رطب ناورد چوب خرزهره بار/ چو تخم افکنی بر همان چشم دار
- (۳) الا تا به غفلت نخفتی که نوم/ حرام است بر چشم سالار قوم
- (۴) گر از دوست چشمت بر احسان اوست/ تو در بند خویشی نه در بند دوست

۵۱. توضیح کدام گزینه برای مصراع دوم درست است؟

- (۱) در این وقت نومیدی آن مرد راست/ گناهم ز دادار داور بخواست: نزد خداوند مرا شفاعت کرد
- (۲) نه چون ممسکان دست بر زر گرفت/ چو آزادگان دست از او برگرفت: مانند انسان‌های وارسته او را عفو کرد
- (۳) من آنم که آن روزم از در براند/ به روز منش دور گیتی نشاند: گردش زمانه به او شأن و شخصیت داد
- (۴) به لطف و سخن گرم رو مرد بود/ ولی دیگدانش عجب سرد بود: ولی مطابق گفتارش عمل نمی‌کرد

۵۲. توضیح کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) حکایت به شهر اندر افتاد و جوش/ که آن بی‌بصر دیده برکرد دوش (دیده برکرد: بینا شد)
- (۲) مپندار گر وی عنان بر شکست/ که من باز دارم ز فتراک دست (عنان بر شکست: روی برگرداند)
- (۳) پس از هوشمندی و فرزانگی/ به دف برزدندش به دیوانگی (به دف برزدندش: رسوایش کردند)
- (۴) اگر مرد عشقی کم خویش گیر/ و گرنه رو عافیت پیش گیر (کم خویش گیر: قناعت پیشه کن)

۵۳. کدام گزینه به درستی معنا شده است؟

- (۱) هر بیدقی که براندی به دفع آن بکوشیدمی و هر شاهی که بخواندی به فرزین بپوشیدمی: هر مهره پیاده‌ای که پیش می‌راند، تلاش می‌کردم که آن را از صفحه شطرنج بیرون کنم و هر بار مهره شاهش را تکان می‌داد، با وزیر، به آن حمله می‌کردم.
- (۲) متعلقان بر در بدارند و غلیظان شدید برگمارند تا بار عزیزان ندهند و دست جفا بر سینۀ صاحب تمیزان نهند: نزدیکان را پشت در نگه می‌دارند و خدمتکاران سختگیر را مأمور می‌کنند تا به اشخاص بزرگوار، اجازه ورود ندهند و مانع ورود خردمندان شوند.
- (۳) از مامضی درگذشتیم و بعد از معجرا طریق مدارا گرفتیم و سر به تدارک بر قدم یکدیگر نهادیم: گذشته را مرور کردیم و از آن چشم‌پوشی کردیم و بعد از رقابت کردن، ملاحظت پیشه کردیم و در کمال تواضع، شرایط همراهی را فراهم کردیم.
- (۴) آن جا که در شاهوارست نهنگ مردم خوارست؛ لذت عیش دنیا را لدغه اجل در پس است و نعیم بهشت را دیوار مکاره در پیش: جایی که مروارید لایق پادشاهان هست، تمساح آدم‌خوار وجود دارد؛ نیش مرگ به خوشی‌های زندگی پایان می‌دهد و دیوار فریبکاری مانع از رسیدن به نعمت بهشت می‌شود.

۵۴. کدام بیت می‌تواند در تأیید عبارت «درویش را دست قدرت بسته است و توانگر را پای ارادت شکسته» باشد؟

- (۱) مرد درویش که بار ستم فاقه کشید/ به در مرگ همانا که سبکبار آید
- (۲) خداوند مکنّت به حق مشتغل/ پراگنده‌روزی پراگنده‌دل
- (۳) کریمان را به دست اندر درم نیست/ خداوندان نعمت را کرم نیست
- (۴) توانگران را وقف است و نذر و مهمانی/ زکوة و فطره و اعتاق و هدی و قربانی

۵۵. توضیح کدام گزینه درست است؟

- (۱) گفت خاموش که هر کس که جمالی دارد/ هر کجا پای نهد دست ندارندش پیش: هر کجا برود کسی او را تحویل نمی‌گیرد.
- (۲) بزرگ‌زاده نادان به شهروا ماند/ که در دیار غریبش به هیچ نستانند: بزرگ‌زاده‌ای که نادان باشد در شهر خود هم در می‌ماند.
- (۳) فضل و هنر ضایع است تا نمایند/ عود بر آتش نهند و مشک بسایند: به رخ کشیدن دانش و توانایی کار بیهوده‌ای است.
- (۴) چه خورد شیر شرز در بن غار؟/ باز افتاده را چه قوت بود؟: بازی که پرواز نمی‌کند، غذایی ندارد.

۵۶. در کدام گزینه اسم فاعل وجود ندارد؟

- (۱) کارها به صبر برآید و مستعجل بسر درآید.
- (۲) درنگ بسیار می کند و مستمع را بسی منتظر باید بودن تا تقریر سخنی کند.
- (۳) تو را با وجود چنین منکری که ظاهر شد، سبیل خلاص صورت نبندد.
- (۴) مترقب [بودم] که کسی که حر تموز از من به برد آبی فرو نشاند.

۵۷. کدام گزینه به بهترین شکل جمله زیر را کامل می کند؟

- «خردمندی را که در زمره اجلاف سخن بندد شگفت مدار که...»
- (۱) قیمت شکر نه از نی است که آن خاصیت وی است.
 - (۲) مشک آن است که ببوید نه آن که عطّار بگوید.
 - (۳) آواز بربط با غلبه دهل بر نیاید و بوی عبیر از گند سیر فروماند.
 - (۴) سنگی است که گوهری می شکند.

۵۸. کدام بیت می تواند ادامه منطقی عبارت «راحت عاجل به تشویش محنت آجل منغص کردن خلاف رای خردمندان است» باشد؟

- (۱) غمی کز پیش شادمانی بری/ به از شادی ای کز پیش غم خوری
- (۲) حریف سقله در پایان مستی/ نیندیشد ز روز تنگدستی
- (۳) برو شادی کن ای یار دل افروز/ غم فردا نشاید خوردن امروز
- (۴) درخت اندر بهاران بر فشاند/ زمستان لاجرم بی برگ ماند

۵۹. توضیح مقابل کدام گزینه درست است؟

- (۱) چو در امضای کاری متردد باشی، آن طرف اختیار کن که بی آزارتر برآید: در فرمان راندن آزار دیگران مجوی.
- (۲) سیم وزر در سفر به محل خطرست یا دزد به یک بار ببرد یا خواجه بتفاریق بخورد: مال خود برای خواجگان بعدی مگذار.
- (۳) عاصی که دست بردارد به از عابد که در سر دارد: عاصی متمسک به لطف خدا بهتر از عابد مغرور به کرده خود.
- (۴) خلعت سلطان اگرچه عزیز است جامه خلقتان خود به عزت تر: گرچه مصاحبت با سلطان نیک است با مردم عادی بنشین.

۶۰. کدام بیت نمی تواند پاسخی به پرسش زیر باشد؟

«بزرگی را پرسیدند: با چندین فضیلت که دست راست راست خاتم در انگشت چپ چرا می کنند؟»

(۱) آن که حظ آفرید و روزی داد/ یا فضیلت همی دهد یا بخت

(۲) بدان را نیک دار ای مرد هشیار/ که نیکان خود بزرگ و نیکروزند

(۳) اوفتادهست در جهان بسیار/ بی تمیز ارجمند و عاقل خوار

(۴) مطلب گر توانگری خواهی/ جز قناعت که دولتیست هنی

۶۱. با توجه به معنی در کدام گزینه اشتباه املائی وجود دارد؟

(۱) دیدمش که زن خواسته و فرزندان خواسته و بیخ نشاطش بریده.

(۲) معده چو پر گشت و شکم درد خاست/ سود ندارد همه اسباب راست

(۳) دشنام و سقط گفت و فتنه و آشوب خاست.

(۴) نانم افزود و آبرویم کاست/ بینوایی به از مذلت خواست

۶۲. کدام نام در جای خالی بیت زیر در تناسب بیشتری با سایر کلمات است؟

..... به بندگیت کمر بسته بر میان/ بودش یقین که ملک ملاحظت از آن تست

(۱) عنقا (۲) شیرین (۳) لیلی (۴) یوسف

۶۳. توضیح در کدام گزینه اشتباه است؟

(۱) گر دوست را به دیگری از من فراغت است / من دیگری ندارم قائم مقام دوست: اگر دوست به دیگری توجه دارد و به من ندارد.

(۲) این یکی از دوستان به تیغ تو کشتست / و آن دگر از عاشقان به تیر تو خستست: این یکی از دوستان را با تیغ تو کشته است.

(۳) منکر سعدی که ذوق عشق ندارد/ نیشکرش در دهان تلخ کبستست: نیشکر در دهان تلخش مثل کبست است.

(۴) مجنون عشق را دگر امروز حالت است/ کاسلام دین لیلی و دیگر ضلالتست: از دید مجنون، اسلام آن است که لیلی بدان

اعتقاد دارد.

۶۴. توضیح کدام دو گزینه اشتباه است؟

- الف. گیسوت عنبرینه گردن تمام بود/ معشوق خوبروی چه محتاج زیورست: با وجود گیسوی یار نیاز به عنبرینه نیست.
- ب. ما پراکندگان مجموعیم/ یار ما غایبست و در نظرست: عاشقان با یکدیگر متحد هستند.
- ج. خواب از خمار باده نوشین بامداد/ بر بستر شقایق خودروی خوشتر است: بهتر این است که بخوابی تا خمار باده نوشین باشی.
- د. شمعی به پیش روی تو گفتم که برکنم/ حاجت به شمع نیست که مهتاب خوشترست: روی یار مانند ماه نورانی است.

(۱) الف و ج (۲) ب و ج (۳) الف و د (۴) ب و د

۶۵. توضیح در کدام گزینه درست است؟

- (۱) فرهاد را از آن چه که شیرین ترش کند؟/ این را شکیب نیست گر آن را ملالت است: فرهاد نمی خواهد که سبب رنجش شیرین شود.
- (۲) زین در کجا رویم که ما را به خاک او/ و او را به خون ما که بریزد حوالتست: تقدیر عاشق خاکساری در برابر یار است.
- (۳) گر سر قدم نمی کنمش پیش اهل دل/ سر بر نمی کنم که مقام خجالتست: اگر مشتاق اهل دل نیستم، مایه خجلت من است.
- (۴) عدرا که نانوشته بخواند حدیث عشق/ داند که آب دیده و امق رسالتست: اشک و امق در دیده معشوق بی ارزش است.

۶۶. توضیح در کدام گزینه اشتباه است؟

- (۱) به دلارام بگو ای نفس باد سحر/ کار ما همچو سحر با نفسی افتادست: مانند سحر لحظه ای بیش تا مرگمان نمانده.
- (۲) تا مرا با نقش رویش آشنایی اوفتاد/ هر چه می بینم به چشم نقش دیوار آمدست: دیدن روی دوست باعث شده است هر چیزی را جز او بی جان و بی روح بپندارم.
- (۳) ز ضعف طاقت آهم نماند و ترسم خلق/ گمان برند که سعدی ز دوست خرسند است: ضعف عاشق باعث ترس او از مردمان است.
- (۴) گر مدعیان نقش ببینند پری را/ دانند که دیوانه چرا جامه دریدست: مدعی هیچ وقت نمی تواند حال دیوانه عشق را دریابد.

۶۷. کدام کلمه در جای خالی بیت زیر در تناسب بیشتری با سایر کلمات است؟

از دست کمان مهرة تو در شهر/ دل نیست که در بر چو کبوتر نطیدست

(۱) بازوی (۲) گیسوی (۳) ابروی (۴) جادوی

۶۸. «تا» در کدام بیت معنایی متفاوت دارد؟

(۱) تا به خود بازآیم آنگه وصف دیدارش کنم/ از که می‌پرسی درین میدان که سرگردان چو گوشت

(۲) جز خداوندان معنی را نغلطاند سماع/ اولت مغزی ببايد تا برون آبی ز پوست

(۳) تا پای مبارکش بیوسم/ قاصد که پیام دلبر آورد

(۴) امروز حالا غرقه‌ام تا با کناری اوفتم/ آنگه حکایت گویمت درد دل غرقاب را

۶۹. کدام توضیح درست است؟

(۱) بر من که صبحی زده‌ام خرقه حرام است/ ای مجلسیان راه خرابات کدام است (مجلسیان: خرقه‌پوشان)

(۲) دور از تو در جهان فراخم مجال نیست/ عالم به چشم تنگدلان چشم سوزنست (چشم سوزنست: بی‌ارزش است)

(۳) شراب از دست خوبان سلسبیل است/ وگر خود خون می‌خواران سبیلست (سبیلست: آمیخته است)

(۴) نه بلندبست به صورت که تو معلوم کنی/ که بلند از نظر مردم کوتاه‌بین است (معلوم کنی: دریابی)

۷۰. در کدام بیت ایهام تناسب یافته نمی‌شود؟

(۱) توبه کند مردم از گناه به شعبان/ در رمضان نیز چشم‌های تو مستست

(۲) مطرب همین طریق غزل گو نگاه دار/ کاین ره که برگرفت به جایی دلالتست

(۳) خواهم اندر طلبت عمر به پایان آورد/ گرچه راهم نه به اندازه پای طلبست

(۴) روی تو خوش می‌نماید آینه ما/ کاینه پاکیزه است و روی تو زیبا

۷۱. کدام بیت نادرست معنی شده است؟

- (۱) زین سان که می دهد دل من داد هر غمی / انصاف ملک عالم عشقش مسلم است: اینگونه که دل من حق هر غمی را ادا می کند، انصافاً باید آن را پادشاه عالم عشق دانست.
- (۲) ای کاشکی میان من استی و دلبرم / پیوندی اینچنین که میان من و غم است: کاش پیوند میان من و دلبرم مانند پیوند من با غم استوار بود.
- (۳) دانی خیال روی تو در چشم من چه گفت / آیا چه جاست این که همه روزه با نم است: تصویر چهره تو در چشم من شکوه کرد که چرا چشم من همیشه نمور و پر از اشک است؟
- (۴) خواهی چو روز روشن دانی تو حال من / از تیره شب پیرس که او نیز محرم است: هم روز روشن و هم شب تیره محرم راز غم من هستند.

۷۲. با توجه به جهان غزل سعدی کدام توضیح نادرست است؟

- (۱) گر شاهد است سبزه بر اطراف گلستان / بر عارضین شاهد گلروی خوشترست (سبزه خط یار زیباتر از سبزه گلستان است)
- (۲) ما از تو بغیر از تو نداریم تمنا / حلوا به کسی ده که محبت نچشیدست (ما پیش از این محبت تو را چشیده ایم)
- (۳) ملامت از دل سعدی فرونشوید عشق / سیاهی از حبشی چون رود که خودرنگ است (ملامت موجب فراموشی عشق نشود)
- (۴) نیکخواهانم نصیحت می کنند / خشت بر دریا زدن بی حاصل است (نیکخواهان بر آنند که سعی عاشق بی حاصل است)

۷۳. باران در کدام یک از اشعار زیر کارکرد سمبولیک ندارد؟

- (۱) اعتنایی نیست اما مژده گوی روز باران را / برفراز دودهایی که ز کشت سوخته برپاست / مژده گوی روز باران باز خواناست
- (۲) ترکید تندر ترق / بین جنوب و شرق / زد آذر خشی برق / اکنون دگر باران جرجر بود... / انگار در من گریه می کرد ابر.
- (۳) و من اندیشناکم باز / اگر باران کند سرریز از هر جای / اگر چون زورقی در آب اندازد جهان را؟
- (۴) در درون کومه تاریک من که ذره ای با آن نشاطی نیست / و جدار دنده های نی به دیوار اطاقم دارد از خشکیش می ترکد / «چون دل یاران که در هجران یاران» / قاصد روزان ابری، داروگ! کی می رسد باران؟

۷۴. با توجه به سطرهای ذکر شده کدام مورد صحیح نیست؟

(۱) گفت راوی: راه از آیند و روند آسود / گردها خوابید. / روزها رفت و شب فراز آمد. / گوهر آجین کبود پیر باز آمد (مقصود از «گوهر آجین کبود پیر» آسمان است.)

(۲) و فراخ دشت بی فرسنگ / ... چون دو کفه عدل عادل بود، اما خالی افتاده / در دو سوی خلوت جاده (دشت در دوسوی جاده به دو کفه ترازو تشبیه شده است.)

(۳) من با زخم بر بام خانه بر گلیم تار / در زیر آن باران غافلگیر، / ماندم. / پندارم اشکی نیز افشاندم (مقصود از گلیم تار، تیرگی شب است.)

(۴) رفته تا ژرفاش / پاره‌های ابر همچون پلکان برف. / من نگاهم ماهی خونگرم و بی آرام این دریا (منظور از دریا در اینجا آسمان است.)

۷۵. کدام یک از گزاره‌های زیر را می‌توان صحیح دانست؟

(۱) «ستاره دور» (تصویرها در آینه‌ها نعره می‌کشند) شعری از نادر نادرپور در قالب چهارپاره است که در دهه چهل شمسی سروده شده و توجه انسان معاصر به چهره و ظاهر خود را در فضای متأثر از غرب‌گرایی دوره پهلوی دوم نقد می‌کند.

(۲) «حلاج» (در آینه دوباره نمایان شد) شعری نیمایی از محمدرضا شفیعی کدکنی است که می‌توان آن را روایتی منظوم از زندگی حلاج دانست. این شعر در مقابل گرایش سیاسی اجتماعی شعر آن دوران، به سیر انفسی و رو کردن به فضاهای عرفانی تمایل دارد.

(۳) «تاول» (۱ تا ۷) چند شعر از نصرت رحمانی در قالب نیمایی اند که می‌توان آن‌ها را اپیزودهایی از یک شعر بلند دانست. این شعرها با زبانی خطابی و لحنی عصیانگر و متأثر از رمانتیسم سیاه یا منفی نوشته شده‌اند و تضاد میان آرمان و واقعیت در آن‌ها هویدا است.

(۴) «نیلوفر» (ای کدامین شب) از سایه (هوشنگ ابتهاج) شعری سمبولیک در قالب نیمایی است که می‌توان «شب» را در آن، نمادی از خفقان و سرکوب سیاسی اجتماعی فضای پس از کودتای ۲۸ مرداد دانست.

۷۶. کدام یک از گزاره‌های زیر صحیح نیست؟

- (۱) ده از او دور و کسی گر آنجاست/ همچو او زندگی اش می‌گذرد/ خود او در «آیش»/ و زن او به «نپار»ی تنه‌است (مرجع ضمیر او در جمله آخر «کسی»ست.)
- (۲) پادشاه فتح بر تختش لمیده است/ ... لیک چون در پیکر خاکستری آتش/ چشم می‌بندد به خواب نقشه‌ها دلکش/ واوست در اندیشه دور و درازش غرق (مرجع ضمیر او در جمله آخر «پادشاه فتح» است.)
- (۳) نگران با من استاده سحر/ صبح می‌خواهد از من/ کز مبارک دم او آورم این قوم به جان باخته را بلکه خیر (مرجع ضمیر او در جمله آخر «صبح» است.)
- (۴) با سراییدن گنگ آیش/ ز آشنایی ماخ اولا راست پیام/ وز ره مقصد معلومش حرف/ می‌رود لیکن او/ به هرآن ره که بر آن می‌گذرد/ همچو بیگانه که بر بیگانه (مرجع ضمیر او «آشنا»ست.)

۷۷. همه نمادهای زیر در شعر نیما دلالتی مشابه هم دارند، به جز ...

- (۱) مرغ آمین (۲) ققنوس (۳) مرغ شباویز (۴) ماخ اولا

۷۸. «نیما در کاربرد فعل و به خصوص فعل‌های مرکب و عبارات فعلی چندان در بند آن نیست که کاربرد قدما یا کاربردهای متداول را منظور نظر داشته باشد؛ به همین سبب در شعرهای او به گونه‌هایی از کاربردهای فعلی برمی‌خوریم که یا برساخته اوست و یا به ندرت در زبان ادبی و حتی زبان گفتار و نوشتار به کار رفته است.» در همه گزینه‌های زیر این خصیصهٔ زبانی دیده می‌شود به جز ...

- (۱) با تن خاک بوسه می‌شکند/ صبح نازنده صبح دیرسفر
- (۲) نیاسوده دمی برجا، خروشان است دریا،/ و در قعر نگاه امواج او تصویر می‌بندند
- (۳) خشک آمد کشتگاه من/ در جوار کشت همسایه
- (۴) ماه هم از طرف پنجره نرم/ بسته بر چهره معصومش نگاه

۷۹. این سطرها از شعر «دیباچه» شفیع کدکنی یادآور محتوای کدام یک از اشعار یادشده است؟

«در این زمانه عسرت، / به شاعران زمان برگ رخصتی دادند / که از معاشقه سرو و قمری و لاله / سرودها بسرایند»

(۱) پیوندها و باغ / مهدی اخوان ثالث (۲) کاروان / هوشنگ ابتهاج

(۳) نگاه / نادر نادرپور (۴) ناقوس / نیما یوشیج

۸۰. یکی از شگردهای نیما برای حرکت از ذهنیت (سوژکتیویته) به سمت عینیت (ابژکتیویته) خلق پرسوناهاى نمایشی است. گاه نیما مفهومی انتزاعی، کلی یا ذهنی را در قالب شخصیتی عینی تصویر می‌کند. بسیاری از شاگردان نیما نیز از این شگرد بهره برده‌اند. در همه شعرهای زیر می‌توان چنین شگردی را مشاهده کرد به جز ... (آغاز شعرها برای یادآوری بهتر در کمانک آمده است).

(۱) افسانه / نیما یوشیج (در شب تیره دیوانه‌ای کاو / دل به رنگی گریزان سپرده ...)

(۲) میراث / مهدی اخوان ثالث (پوستینی کهنه دارم من / یادگاری ژنده‌پیر از روزگاران غبارآلود ...)

(۳) پادشاه فتح / نیما یوشیج (در تمام طول شب / کاین سیاه سالخورد انبوه دندان‌هاش می‌ریزد ...)

(۴) طلوع / مهدی اخوان ثالث (پنجره باز است / وآسمان پیدا است ...)

۸۱. در همه گزینه‌های زیر تعبیر یا تصویری از طلوع خورشید را می‌توان دید، به جز ...

(۱) بر چکاد دورتر کوهی که بتوان دید / رسته چندی پیش / شعله‌ور خون‌بوته مر جانی خورشید

(۲) من مرغ کور جنگل شب بودم / بینا شدم به سرمه خورشیدت

(۳) صبحگاهان که بسته می‌ماند / ماهی آبنوس در زنجیر / دم طاووس پر می‌افشانند / روی این بام تن‌بشسته به قیر

(۴) مشرق چپق طلائی خود را / برداشت، به لب گذاشت، روشن کرد

۸۲. کدام یک از موارد زیر صحیح نیست؟

(۱) «بر شیشه عنکبوت درشت شکستگی/ تاری تنیده بود/ الماس چشم های تو بر شیشه خط کشید/ وان شیشه در سکوت درختان شکست و ریخت/ چشم تو ماند و ماه/ وین هر دو دوختند به چشمان من نگاه»: در این شعر «شیشه» بر فاصله میان راوی و مخاطب تغزلی اش دلالت دارد و شکستن شیشه با الماس چشم ها، تعبیری است برای از میان رفتن این فاصله با نگاهی از معشوق.

(۲) «می شتابد به راه مرد سوار/ گرچه اش در سیاهی اسب رمید/ عطسه صبح در دماغش بست/ نقشه دل گشای روز سپید»: عطسه صبح در این شعر بر نخستین انوار سپیده دلالت دارد و مقصود شاعر آن است که با تابش نخستین پرتوهای آفتاب، تصویری از روز سپید پیش رو در ذهن سوار نقش بست.

(۳) «یکی بین که چه سان رنگها بدل کردند/ سپهر تیره ضمیر و ستاره روشن/ جزیره های بلورین به قیرگون دریا / به یک نظاره شدند،/ چو رقعہ های سیه بر سپید پیراهن.»: منظور از «قیرگون دریا» آسمان شب است و این سطرها، غروب و فرارسیدن شب را تصویر می کنند که زاغان در آسمان، جای خود را به ستارگان روشن داده اند.

(۴) «مرا نبخشیدند/ تو را نمی بخشند/ که بی گناهی، و بخشش سزای پاکان نیست/ بر آستان دنانت بسای پیشانی،/ به من نگاه مکن،/ وگرنه این تو و آغاز بی سرانجامی.»: شاعر از محیط اجتماعی نامطلوبی حرف می زند که در آن بر پاکان و بی گناهان نمی بخشند و لاجرم مخاطب را به دنانت و پستی دعوت می کند.

۸۳. کدام گزینه درباره داستان «من هم چه گوارا هستم» نادرست است؟

(۱) داستان راوی دانای کلی دارد که جهان را اغلب از چشم قهرمان می بیند.

(۲) بازه زمانی اصلی داستان کوتاه است و نهایتاً در یکی دو ساعت می گذرد.

(۳) قهرمان داستان در حسرت آرمان های ناکامش طغیانی بیهوده می کند.

(۴) قهرمان مرده در برداشت کلی، خودخواه و پردردسر تلقی می شود.

۸۴. در اساطیر یونانی، سیزیف به دلیل فاش کردن راز خدایان محکوم می شود تا سنگی را به قله یک کوه حمل کند اما همین که به قله می رسد سنگ فرومی افتد و سیزیف باید آن را دوباره به بالا حمل کند. در داستان «من هم چه گوارا هستم» سنگ آقای حیدری چیست؟

۱) سیگار (۲) ماشین (۳) قابلمه (۴) شمع تولد

۸۵. کدام یک از تک‌گویی‌های درونی آقای حیدری بیشتر نشان می‌دهد که او هم چه‌گوارا است؟

۱) «دوست عزیز، اون روزا یادت میاد؟ حرفای اونوقتا یادت هست؟ چطور شد؟ چه اتفاقی افتاد؟ مگه تو معتقد نبودی که انسان آزاد است، مسئول است و فقط کافیه که تصمیمشو بگیره و راهشو انتخاب کنه.»

۲) «حوصله ندارم. سال دیگه چهل سالم میشه دیگه پیر شده‌ام و رمقی ندارم کار من حفاظت خانواده‌هاست کار من نگهداری بچه‌هاست کار من بردن و آوردن این قابلمه است.»

۳) «من این ذرات پراکنده را بهم جفت می‌کنم، من این ماده بی‌شکل و صورت را میان انگشتهایم می‌گیرم، طول و عرضش را بدلوخواهم اندازه می‌زنم آب و گلش را قاطی می‌کنم و هر شکلی که دلم خواست می‌سازم.»

۴) «بالاخره خودش می‌فهمه بالاخره همه می‌فهمن؛ دیر یا زود اصلاً توضیح نداره؛ من می‌خوام از سهم خودم استفاده کنم و این حق منه.»

۸۶. کدام گزینه در داستان «مارهای زیر درخت سنجد» بیشتر قابل باور است؟

۱) «مادرم می‌گفت: این مارها جادوگرانی هستند که از هندوستان آمده‌اند. زهرشان آدمی‌زاد را خاکستر می‌سازد!»

۲) «در همین حال شنیدم که کسی گفت: نترس، من مار نیستم!»

۳) «می‌گفت: همین مار بود که گنج‌های بتخانهٔ سومنات را به ما تقدیم کرد. خودش آمد و در برابر ما سر بر خاک نهاد!»

۴) «باعث تعجب و حیرت حکمای دیگر شد، زیرا آنان می‌پنداشتند که زمرد مارها را نابینا می‌سازد.»

۸۷. ویژگی اصلی روایت حلقه‌ای (cyclical narrative) آن است که الگو یا تمی مشخص در داستان تکرار می‌شود یا پایان داستان به آغاز آن می‌پیوندد و در نظر مخاطب یا شخصیت‌ها بی‌پایان جلوه می‌کند. کارکرد این تمهید در داستان «مارهای زیر درخت سنجد» کدام گزینه می‌تواند باشد؟

۱) تلاش برای ایجاد فضای رعب و وحشت

۲) تأکید بر گرفتاری انسان در دست تقدیر

۳) تأکید بر ستمکاری نظام‌های خودکامه

۴) تلاش برای ایجاد فضایی حماسی

۸۸. کدام شخصیت ملکوت در طول داستان تحول می‌یابد؟

(۱) مرد چاق (۲) دکتر حاتم (۳) آقای مودت (۴) م.ل

۸۹. با توجه به فصول ملکوت، کدام گزینه درست نیست؟

(۱) فصل نخست، «حلول جن»، مایه‌هایی از داستان‌های ترسناک و جنایی دارد که شکلی طنزآمیز می‌یابد و در فصل ششم، «زمین»، به سرانجام می‌رسد.

(۲) فصل دوم، «اکنون او می‌گوید»، با روزشمار ورود دکتر حاتم به شهرستان شکل زندگی نامه خودنوشت را دارد.

(۳) فصل سوم، «۱۳»، خودگویی (م.ل.) است در قالبی رؤیایگون که خاطراتی از گذشته را بیان می‌کند.

(۴) فصل چهارم، «آخرین دیدار، پیش از صبحدم»، می‌تواند پرده‌ای از یک نمایش باشد و نیز فصل پنجم، «آخرین گفتگو، پیش از صبحدم».

۹۰. ناشناس در داستان ملکوت را بیشتر با کدام شخصیت می‌توان در یک گروه قرار داد؟

(۱) م.ل (۲) دکتر حاتم (۳) آقای مودت (۴) منشی جوان

۹۱. کدام گزینه درباره نمایشنامه پلکان می‌تواند درست باشد؟

(۱) اثری است در نقد سرمایه‌داری که سرمایه‌دار شدن شخصیت اصلی را در گرو کارهای غیراخلاقی نشان می‌دهد.

(۲) اثری است در ستایش فعالیت‌های اجتماعی که تأکید می‌کند کارگران باید با همدیگر متحد باشند.

(۳) اثری رمزگرایانه است که در آن ریشه‌های جنبش‌های اجتماعی در جامعه‌ای در حال گذار بررسی می‌شود.

(۴) اثری فراواقع‌گرایانه است که در آن ریشه‌های عقده‌روانی شخصیت اصلی و سقوط او نمایش داده می‌شود.

۹۲. بازه زمانی روایت در کدام یک از چهار اثر زیر طولانی‌تر است؟

(۱) پلکان (۲) مارهای زیر درخت سنجد

(۳) ملکوت (۴) من هم چه گوارا هستم

۹۳. کدام گزینه با روند شخصیت‌پردازی بلبل در نمایشنامه پلکان سازگار نیست و می‌توان آن را خارج از کلیشه شخصیت او دانست؟

- (۱) بلبل به اسکندر، شاگرد دو چرخه‌فروشی، دل‌داری می‌دهد. (۲) بلبل تا پایان کار همسر محترم باقی می‌ماند.
(۳) بلبل به کارگران ساختمانی خود مساعده داده است. (۴) بلبل نام خود را به مهندس تاج تغییر می‌دهد.

۹۴. کدام گزینه درباره نمایشنامه پلکان درست نیست؟

- (۱) گفتار شخصیت‌ها سرشار از شکسته‌نویسی و کنایات عامیانه است.
(۲) شخصیت‌ها سیاه‌وسفید هستند و کمتر می‌توان در میان آن‌ها شخصیتی خاکستری یافت.
(۳) شخصیت‌ها در طول نمایش ثابتند و تحول نمی‌یابند.
(۴) دست‌کم دو شخصیت ثابت در تمام پرده‌های نمایش حضور دارند.

۹۵. داستان «مارهای زیر درخت سنجد» و ملکوت بیشتر از کدام داستان فارسی متأثرند؟

- (۱) بوف کور (۲) چشمه‌پایش (۳) مدیر مدرسه (۴) تنگسیر

۹۶. کدام عبارت به درستی معنی شده است؟

- (۱) کَلِّمِ النَّاسَ عَلٰی قَدْرِ عَقُولِهِمْ: مردم به اندازه خرد خود سخن می‌گویند.
(۲) کَلَّ إِنَاءٌ يَتَرَشَّحُ بِمَا فِيهِ: از هر ظرفی، آبی که در آن است، ترشح می‌کند.
(۳) الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ: درویشی مایه فضیلت در هر دو عالم است.
(۴) يُهْدَىٰ بِهِ وَهُوَ لَا يَهْتَدِي: دیگران به وسیله او هدایت می‌شوند و او خود راه نمی‌یابد.

۹۷. در کدام بیت تلمیحی قرآنی دیده می‌شود؟

- (۱) قد شابه بالوری حمار/ عجلا جسدا له خوار (۲) ماذا اخاضك يا مغرور في الخطر/ حتى هلكت فليت النمل لم يطر
(۳) اذا شبع الكمي يصول بطشا/ و خاوی البطن يبطش بالفرار (۴) و قطر على قطر اذا اتفقت نهر/ و نهر الى نهر اذا اجتمعت بحر

۹۸. معنی کدام واژه مشخص شده درست است؟

- (۱) یا لیت قبل منیتی یوما افوز بمنیتی/ نهر تلاطم رکبتی و اظل املاً قربتی (منیت: خودپرستی)
 - (۲) و عند هبوب الناشرات علی الحمی/ تمیل غصون البان لا الحجر الصلد (الحمی: گرمای نیمروز)
 - (۳) نهاج الی صوت الاغانی لطیبه/ وانت مغنّ ان سکتّ نطیب (مغنّ: بی نیاز)
 - (۴) بس المطاعم حین الذل یکسبها/ القدر منتصب و القدر مخفوض (القدر: دیگ)
۹۹. در برخی ابیات، بخشی از کلمه در پایان مصراع اول و بخش دیگر در آغاز مصراع دوم می آید؛ به این گونه ابیات «مدرّج» می گویند. کدام بیت مدرّج است؟

- (۱) ورب صدیق لامنی فی ودادها/ الم یرها یوما فیوضح لی عذری
 - (۲) یا معشر الخلان قولوا للمعا/ فی لست تدری ما بقلب الموجع
 - (۳) من ذا یحدثنی وزم العیس/ ما للغریب سوی الغریب انیس
 - (۴) بلیت بنحوی یصول مغاضبا/ علیّ کزید فی مقابله العمر و
۱۰۰. در یکی از ابیات زیر تغییری داده ایم و به غلط حرف تعریف «ال» را به کلمه ای افزوده ایم. آن بیت کدام است؟

- (۱) علی جرّ ذیل لیس یرفع رأسه/ و هل یستقیم الرفع من عامل الجرّ
- (۲) ان لم امت یوم الوداع تأسفا/ لاتحسبونی فی المودة منصفاً
- (۳) کیفیت اذی یا من یعدّ المحاسنی/ علانیتی هذا و لم تدر ما بطن
- (۴) هلک الناس حوله عطشا/ وهو ساق یری و لایسقی